

و ... عملیاتی که در انقلاب ایران صورت گرفته همه یا غلط و یا ناقص بوده و هیچکدام باعث نجات مملکت و قطع ایادی فساد و خیانت نشده است. ولی اخیراً اشخاصی که هیچگاه طرف نسبت با آزادیخواهان گذشته نمی‌باشند، کمیته‌ای به نام کمیته مجازات تشکیل داده‌اند که تصمیم دارند با کمک افراد پاک و صالح مملکت را از گرداب فساد و فلاکت و بدبختی‌های رهایی بخشند و ایادی خیانت و جاسوسی را از دامن وطن کوتاه نمایند که نمونه بارز آن قتل میرزا اسمعیل‌خان رئیس انبار غله بود که صیت شهرتش در خیانت و فساد همه جا را گرفته و عموم مردم از مرگ او خرسند و به کمیته مجازات به دیده احترام می‌نگرند ...»

با اینکه کریم دواتگر از طرف کمیته مجازات اجازه و مأموریتی نداشت که مطالب بالا را برای ارداقتی بازگو کند. اضافه می‌کند که از طرف کمیته مجازات مأمور است که ارداقتی و عمادالکتاب را به عضویت کمیته مجازات دعوت کند.

مرحوم علی اکبر ارداقتی سؤال می‌کند: مؤسسين اين کمیته را چه اشخاصی تشکیل داده‌اند؟

کریم دواتگر از افشای نام آنان خودداری کرده و می‌گوید، با آنان ارتباط مستقیم ندارد.

ارداقتی: بنابراین چگونه می‌توانیم با این عده همکاری کنیم درحالی که از هویت و رویه و خط مشی آنان اطلاعی نداریم؟

کریم: معرف کمیته مجازات عمل آنها است و خیال دارند در صورت امکان، تمام خائنین را اعدام نمایند، زیرا تشخیص داده‌اند که جز این راه، طریق دیگری برای استخلاص مملکت و قطع ایادی خائنین وجود ندارد.

ارداقتی: ایفان در این مدت کجا بوده‌اند که اکنون دست از آستین بیرون کرده و چرا اقدامات خود را زودتر شروع نکرده‌اند؟

کریم: اینها شریف‌ترین افراد ایرانی بوده و خیال نکنید نظیر کسانی می‌باشند که تاکنون با آنها تماس داشته‌اید؛ این اشخاص بدون تظاهر، در تمام رشته‌های انقلاب مداخله و در ضمن عملیات مختلف، مطالعه می‌نمایند که از چه راهی مملکت را از گرداب سقوط نجات بخشند و اگر قتل میرزا اسمعیل‌خان را شاهد مثال آوردم برای اینکه این اقدام یکی از کارهای ظاهری کمیته بوده و کسی از عملیات مخفی آنان اطلاعی ندارد مگر اینکه داخل تشکیلات آنها بشود. موضوع بالاتر و مهمتر اینکه این کمیته دارای نظام سری و نقشه‌های مهمی است که قریباً منجر به یک قیام ملی خواهد شد.

ارداقتی: باوجود این مطالب، مادامیکه من به هویت این افراد که گردانندگان کمیته مجازات می‌باشند و قوف پیدا نکنم ممکن نیست داخل کار بشوم زیرا از این

نظامنامه‌ها و مرامنامه‌ها زیاد دیده و درطول زندگی سیاسی خود به‌تجربه دریافته‌ام که بعداً بمکس آنچه گفته‌اند عمل کرده‌اند. به‌فرض اینکه اظهارات شما در مورد کمیته مذکور مقرون به‌حقیقت باشد از کجا معلوم که این عده به اجنبی‌ها بستگی داشته باشند که در این صورت شرکت من در عملیات این کمیته خیانت محض خواهد بود؟

کریم: شما به‌من اعتماد ندارید، در حالی که شما در خدمتگزاری به وطن شخص بی‌اختیاری بوده‌اید و کمیته هم به شما اعتماد دارد لذا چرا در این مورد اینقدر احتیاط می‌کنید؟

مذاکرات ارداقی و کریم دواتگر به آنجا خاتمه می‌یابد و قرار می‌شود در صورت بروز عملیات مهمتر و درخشان‌تر که مدلل سازد افراد کمیته مجازات ناجی حقیقی مملکت می‌باشند البته بعداً ارداقی در اینمورد تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

اختلاف کریم در کمیته مجازات:

پس از چندی روری کریم دواتگر به ملاقات علی‌اکبر ارداقی می‌رود و می‌گوید:
«... اگر تو امروز به‌نظرم نیامده بودی تمام اعضای کمیته مجازات را نابود می‌کردم، این تو بودی که تصمیم مرا بعهده تأخیر انداختی ولی تا فردا تصمیم خود را به‌مرحله اجرا خواهم گذارد. من به‌تو اعتماد زیادتر شده و حالا می‌فهمم رفقای من در کمیته مجازات افرادی ناپاک و تمام اظهاراتشان خلاف محض و برای اغفال من بوده، زیرا پس از قتل میرزا اسمعیل خان معلوم شد رفقای من قبلاً باقوام السلطنه و کمال‌الوزاره مربوط بوده‌اند...»

توضیح اینکه کریم دواتگر بعد از قتل میرزا اسمعیل خان با همکاران خود «ابوالفتح‌زاده - منشی‌زاده - مشکوة‌الممالک» بر سر دریافت مقرری ماهیانه اختلاف پیدا کرده و هر روز بعنوانین مختلف از آنان مطالبه پول اضافی می‌کرد و مهمتر اینکه اسرار کمیته مجازات را نزد این و آن فاش و بدون اینکه مأ‌موربتی داشته باشد هر کس را که مایل بود به‌نام کمیته مجازات دعوت به همکاری می‌کرد.

مضافاً اینکه کریم در مدت کوتاهی عقیده‌اش نسبت به همکاران خود سلب و بر-خلاف آنچه قبلاً به ارداقی گفته بود، تصمیم به نابودی اعضای سه نفری کمیته می‌گیرد و اگر کمیته مجازات در حل اختلاف با کریم دواتگر توفیق پیدا نمی‌کرد ناچار بود به هر نحوی که ممکن باشد کریم دواتگر را از میان بردارد، در غیر اینصورت کریم همکاران خود را یکی پس از دیگری به‌قتل می‌رسانید و طومار زندگی کمیته مجازات در بدو تشکیل بسته می‌شد.

ارداقی از اظهارات کریم دواتگر پی برد که وی شخصی است متلون‌المزاج و به

گفته‌های او نمی‌توان اعتماد کرد و معلوم می‌شد در تحسین یا تنقید، دوستی یا دشمنی ثابت قدم نبوده و باقتضای تمایلات و منافع شخصی خود فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد و با تحریک این و آن زود از جاده حقیقت منحرف می‌شود.

شب دیگر در منزل عمادالکتاب، ارداقی خطاب به کریم دواتگر می‌گوید:

«... شکایت تو از افرادی که هویت آنان برای ما معلوم نیست بیمورد و ما هم نمی‌توانیم در اینمورد قضاوت عادلانه کنیم.

کریم دواتگر پس از کمی تأمل، اسامی اعضای کمیته مجازات را به شرح زیر معرفی می‌نماید:

(۱- منشی زاده ۲- ابوالفتح زاده ۳- مشکوة الممالک)

ارداقی - من با این عده به هیچوجه سابقه آشنائی و همکاری ندارم ولی از خارج شنیده‌ام اینها بهائی هستند در حالی که فرقه بهائی از مداخله در سیاست ممنوع و معذور می‌باشند.

کریم - این را هم دروغ می‌گویند و برای تقلب و انحراف ذهنی خود را پیرو این فرقه معرفی کرده‌اند.

ارداقی - همانطوری که اظهارات تو در مورد این عده مبالغه آمیز و بنا به عقیده خودت اشتباه بود ممکن است امروز هم در حق آنان اشتباه کنی و بنابراین مصلحت این است که اختلاف خود و کمیته مجازات را به حکمیت و قضاوت عمادالکتاب واگذار کنی و به فرض اینکه آقای عمادالکتاب پیشنهاد مرا قبول نکند این تصمیم تو اشتباه محض است که در ظرف فردا رفتای خود را از میان برداری.

کریم - این پیشنهاد خوبی است و اعضای کمیته مجازات به‌شما و عمادالکتاب اعتماد راسخ دارند و خیال می‌کنم آنها این پیشنهاد را بپذیرند.

مقدمه ورود ارداقی به کمیته مجازات

روز دیگر منشی زاده در اداره وارد اطاق کار عمادالکتاب می‌شود و یادداشتی به وی می‌دهد که مضمونش این بود: «فردا شب در منزل خود منتظر شما هستم و شخصی را که سمت راست شما نشسته است نیز با خود بیاورید» که منظورش ارداقی بوده و بدین- ترتیب مقدمات ورود او به کمیته مجازات فراهم می‌شود.

ارداقی تا چند جلسه از حضور در کمیته مجازات خودداری، ولی عمادالکتاب و کریم جریان مذاکرات را مرتباً به اطلاع او می‌رسانیدند تا اینکه روزی کریم دواتگر به ارداقی مراجعه می‌گوید: «منطق آقای عماد در رفع اختلاف من در کمیته نارسا و این اختلاف تاکنون به‌جائی نرسیده است...»

از اینجا بقیه مطالب را از قول منشی زاده که عیناً از متن

اعترافاتش استخراج و استنتاج شده است نقل می کنیم :

« ... کریم پس از قتل میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله ، هر روز يك درمیان نزد ما می آمد و مطالبه وجه اضافی می کرد و در فاصله دو ماه و نیم که از قتل اسمعیل خان گذشته بود قریب ششصد تومان از ما پول گرفته بود تا اینکه روزی افتضاح بیشتری بالا آورد و پای بهادر السلطنه را که مورد اعتماد نیست به میان آورد . (بعداً خواهیم دید این شخص تمام اسرار کمیته مجازات را بازگو نموده و چگونه به کمیته مجازات راه یافت و بالاخره باعث گرفتاری اعضای کمیته را فراهم و خود نیز در جنگ دولت با اسمعیل سیمتقو به وضع فلاکت بار و فجیمی جان سپرد ...)

« ... چند روز بعد بنا به تقاضای عمادالکتاب در منزل مشکوة الممالک جلسه ای با حضور من (منشی زاده) و ابوالفتح زاده و کریم دواتگر تشکیل و پس از مذاکرات زیاد معلوم و مسلم شد که کریم برخلاف قول و تعهداتش عمل کرده است. بالاخره قرار شد هر ماهه سی تومان اضافه بر آنچه مقرر بوده است به کریم دواتگر پرداخت کنیم ولی کریم از قبول آن امتناع و مطالبه پول بیشتری را می کرد تا جائی که عمادالکتاب متعیر شد خطاب به کریم گفت :

(... من ترا آدمی با مسلک می دانستم و حالا بر من معلوم شد که فقط در صدد دریافت وجه بلاجهت هستی ...)

« کریم از لحن تند عمادالکتاب رنجش پیدا کرده خانه مشکوة الممالک را ترک گفت و عمادالکتاب از فرصت استفاده نموده گفت میرزا علی اکبر ارداقی ازدوستان نزدیک من و در کریم دواتگر نفوذ زیادی دارد و شاید بتوانیم با کمک ارداقی او را از عقاب سد سخیفش باز داریم ... »

« فردا شب ، ارداقی برای اولین بار در جلسه کمیته مجازات (منزل منشی زاده) حضور یافته و کریم دواتگر را با خود همراه می آورد ولی مذاکرات به جائی نمی رسد . بالاخره به وی پیشنهاد می کنند برای او خرجی عادلانه ای در نظر بگیرند و او هم به مسافرت برود که با این پیشنهاد کریم موافقت نمی کند . تا اینکه روزی بهادر السلطنه مشکوة الممالک را ملاقات و از کمیته در مورد شکایت کریم دواتگر گله گذاری کرد و مشکوة بدو هر چه خواست منکر این مطالب بشود موفق نشد و بالاخره به بهادر السلطنه اعتراف کرده می گوید از مذاکرات خود برای رفع اختلاف تاکنون به نتیجه ای نرسیده ایم و حاضر به مسافرت و ترک کمیته هم نشده است و دائماً ما را تهدید به قتل می نمایند و اسرار ما را نزد هر کس فاش می کند . »

از طرفی شنیدیم مابین کریم دواتگر و یکی از همکارانش به نام رشیدالسلطان که در قتل میرزا اسمعیل خان شرکت داشت ضدیت و اختلافاتی وجود دارد. بدین سبب تصمیم گرفتیم ابوالفتح زاده این موضوع را با رشیدالسلطان در میان گذارد و رشیدالسلطان با کمک سید مرتضی و میرزا عبدالحسین ساعت ساز کاز کریم را تمام کند ... ،

ابوالفتح زاده (یکی از اعضای اصلی کمیته مجازات) دنباله مطالب را در

اعترافات خود چنین می گوید :

« ... منشی زاده بدو اظهار داشت مسئله کریم مربوط به همان سه نفری است که در ابتدای امر کمیته مجازات را تشکیل داده و بنابراین دو نفر دیگر (ارداقی - عماد - الکتاب) نباید در رفع این اختلاف مداخله نمایند و چون دیدم رفقا درباره از بین بردن کریم دواتگر خیالاتی از قبیل خفه کردن یا مسموم کردن دارند لذا صلاح ندیدم که دست خودمان را به خون کریم از این راه آلوده کنیم بدو برای دفع کریم با رشیدالسلطان و سید مرتضی و عبدالحسین ساعت ساز که با وی اختلاف و ضدیت داشتند وارد مذاکره شدم که کار کریم را به شکل دیگری تمام کنند ... ،

دستگیری عاملین قتل کریم دواتگر

بدین ترتیب کریم دواتگر در تاریخ ۱۲ رجب ۱۳۳۵ هجری قمری ساعت ۹ بعد از ظهر مقابل کلیسای آرامنه واقع در محله سنگلج به دست رشیدالسلطان - سید مرتضی و میرزا عبدالحسین ساعت ساز به قتل رسید ...

با قتل کریم دواتگر ، رشیدالسلطان - سید مرتضی و میرزا عبدالحسین ساعت ساز به اتهام قتل او از طرف نظمیہ دستگیر و به وسیله میرزا باقر خان مستنطق تأمینات مورد بازجوئی و استنطاق قرار می گیرند و هر يك از متهمین مذکور به نوبه خود به قتل کریم دواتگر اعتراف می نمایند .

با دستگیری افراد فوق از يك طرف برای اعضای اصلی کمیته مجازات وحشت و نگرانی ایجاد می شود که در صورت اعتراف ، موجب انهدام آنها نیز فراهم خواهد شد از طرف دیگر افراد دیگری که بتوانند کار کمیته مجازات را دنبال کنند در اختیار ندارند در جلسه ای که کمیته مجازات برای استخلاص عاملین قتل کریم دواتگر تشکیل شده بود قرار شد نامه ای از طرف کمیته خطاب به میرزا باقر خان پدر مستنطق تأمینات نوشته شود که مضمون آن حاوی نصیحت و تهدید باشد .

علاوه از نامه مذکور ، میرزا علی اکبر ارداقی که با میرزا باقر خان پدر سابقه الفت و دوستی داشت وی را به منزل خود دعوت و باقیافه مضطربی مطالبی بدین شرح خطاب به وی می گوید :

« ... خیال می‌کنم علاوه از سابقه دوستی و الفتی که میان من و تو وجود دارد اصولاً این اقدام من بر اثر خدمات صادقانه ایست که در راه آزادی تاکنون انجام داده‌ای و به همین سبب خداوند مرا برانگیخته است که در این مورد به شما خدمتی کرده باشم . »

« آقای میرزا باقرخان ! شما با قیافه افتخارآمیز به من اطلاع دادی که قاتلین رئیس انبار غله را دستگیر و به بازجویی کشیده‌ای و آنها به قتل میرزا اسمعیل خان اعتراف کرده‌اند و به خیال خود خواسته‌ای یک خدمت تاریخی به وطن کرده باشی ؟ درحالی که نمی‌دانی فرد خائنی چون اسمعیل خان که عملیات شرم‌آور و جاسوسی او اظهر من الشمس است نزدیک بود ریشهٔ درخت حیا ، پاکدامنی را برای همیشه در این مملکت خشک کند و متأسفم که نمی‌توانم اطلاعات بیشتر در باره قتل کریم دواتگر بدهم و همینقدر می‌گویم قتل کریم دواتگر چند ماه پس از قتل میرزا اسمعیل خان رویداد و اگر خیانت کریم دواتگر پیش نیامده بود کمیته مجازات توانسته بود تا امروز چند نفر نظیر اسمعیل خان رئیس انبار غله را بسزای اعمال خود برساند و کریم بود که برنامه کار کمیته مجازات را بهمهده تأخیر انداخت . »

« ... یعنی پس از برداشتن این مانع موقتی ، حالا از این به بعد ملاحظه خواهید کرد که از طرف کمیته مجازات چه عملیات محیرالعقولی بمنصهٔ ظهور خواهد رسید و چه کسانی به کیفر اعمال خائنانه خود خواهند رسید . »

« ... بنابراین از نظر علاقه‌ای که به شما دارم لازم دیدم شما را به خطرات قریب‌الوقوعی که برای خود تدارک دیده‌اید واقف سازم و حال اینکه احتمال می‌دادم بانظر من (ارداقی) موافق نبوده و اگر چنین باشد مانعی ندارد که پس از خروج از اینجا با مأمورین تأمینات مرا دستگیر نمایند که در این صورت مطمئن باشید چرخ این دستگاه که یگانه راه علاج کلیه دردهای مملکتی است از کار باز نخواهد ایستاد و من هم اهمیت نمی‌دهم که خود را قربانی مصالح عالیه مملکت نمایم ... »

میرزا باقرخان پدر پس از استماع بیانات میرزا علی اکبرخان ارداقی مدتی سکوت نموده و سپس می‌گوید: « پس این حرکات بچگانه‌ای که تاکنون صورت گرفته از ناحیه کمیته مجازات بوده است ؟ یعنی پریشب شخصی که بادت روی خود را پوشانیده بود هنگام ورود به منزل پاکتی به دستم داد و ارداقی از موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرده و می‌گوید قطعاً این اقدام از ناحیه برخی از مجاهدین بوده که با دستگیرشدگان دوستی و ارتباط دارند ... »

میرزا باقرخان پدر پس از خداحافظی می‌گوید : « الساعه به تنظیمه می‌روم و متهمین را برای تکمیل تحقیقات و بازجویی مجدداً احضار می‌کنم ولی مطمئن باشید اطلاعات بعدی بهمین جا ختم خواهد شد ... »

همانطوری که میرزا باقر خان پدر قول داده بود بر اثر نامه تهدیدآمیز کمیته مجازات و مذاکرات میرزاعلی اکبر ارداقی تحقیقات خود را از متهمین قتل دواتگر و میرزا اسمعیل خان ختم و آنان را پس از چندی آزاد نمود. مساعدتهای ذقیمت میرزا باقر خان پدر در پیشرفت‌های بعدی کمیته مجازات مؤثر و اگر کمک‌های او نبود اساس کمیته مجازات در بدو تشکیل از هم پاشیده و متلاشی شده بود.

عصر همان روزی که بین میرزا علی اکبر ارداقی و میرزا باقر خان پدر ملاقات سه ساعته‌ای روی داد کمیته مجازات جلسه خود را در منزل (منشی زاده) تشکیل و صورت اسامی کسانی را که از نظر کمیته مستحق و مستوجب مجازات اعدام می‌باشند مورد مطالعه قرار داده که این قسمت را از یادداشت‌های مرحوم میرزا علی اکبر ارداقی ذیلا نقل می‌کنیم:

« ارداقی - قبل از هر چیز باید مهر و جعبه چاپ ژلاتین برای کمیته تدارک شود

که بیان نامه‌ها به مهر کمیته مجازات مهور گردد. »

« منشی زاده - مهر کمیته باید به همان شکلی که پیشنهاد کرده‌ام ساخته شود. یعنی روی گلوله کلمه (مجازات) و بر پوسته فشنگ کلمه (کمیته) قید و حک گردد که گلوله (مجازات) بر قلب خائن فرو نشیند و پوسته فشنگ (کمیته) بر جای خود باقی بماند و مصلحت آنست که این دو کلمه را جداگانه به دو نفر سفارش دهیم و به جای کلمه (مجازات) کلمه (مخابرات) حکاکی شود که بعداً آن را به (مجازات) تبدیل خواهیم کرد. »

ابوالفتح زاده - تا زمانیکه مهر و چاپ ژلاتین تهیه شود امشب باید معلوم گردد که کمیته چه کسی را باید از میان بردارد تا وقفه‌ای در کار کمیته مجازات تولید نشود. (نا تمام)

مجلس اول بعثت مخالفت بسا محمد

بقیه از صفحه ۷۲

علی شاه، از طرف وی بتوب بسته شد و قبل از پایان دوره تعطیل گردید و وکلا تارومار شدند و جمعی از آنان بچنگک درخیمان باغ شاه افتادند و با گروهی دیگر از آزادی - خواهان شربت شهادت نوشیدند...

در پایان عکسی از يك تفرقه انتخابات

دوره اول گراور می‌کنیم

پس از آن ریاست به آقایان میرزا محمد خان احتشام السلطنه (علامیر) و میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله رسید.

در این دوره قانون اساسی و متمم آن و همچنین نظامنامه داخلی مجلس تصویب شد و بتوشیح محمد علیشاه که بعد از مرگ پدرش زمام امور را بدست گرفته بود رسید.

